

یادداشت
در بدرقه استاد
بدون او نغمه غمگین است
خسرو وفدائوی ا گروه ایران news@naslefarda.net

از جمع بزرگان موسیقی کشور، بزرگی با کوله‌باری از چندین دهه تجربه، هنر‌نمایی و اندوخته‌های موسیقایی از میان م‌رفت. آری روز نوزدهم مهرماه، خبر درگذشت استاد موسیقی و آواز ایران، مانایاد «محمدرضاشجریان» از طریق رسانه‌ها به اطلاع عموم رسانده شد. خبری تلخ و تأسفبار، اما باید شنیده می‌شد صدای زلال و پر از شاخه‌ها و شعبه‌های دل‌نشین و صد البته در کنارش نگاه باز و گرایش‌های مستقل و آگاهانه‌اش از شده‌ها و ناشده‌های موسیقی و روزگاری که در آن زندگی می‌کرد، به یقین در یادها زنده می‌ماند.

هنر با مرگ نمی‌میرد

طی چند روزی که گذشت، به اشکال مختلف اهل موسیقی و دولت‌داران او، از جای‌جای کشور و حتی کشورهای دیگر،فقدانش را در قالب پیام، یادداشت، نکته‌ها و ناگفته‌ها، نوشته و بیان کرده‌اند. به این ترتیب، بزرگان این هنر از گذشته تاکنون، حضور و ارزش‌های حقیقی اندیشه و هنر را در یافت کرده‌اند؛ لذا تشخیص وفاداری به تشخیص‌ها، در کنجکاو۱ی است و پستی‌ها و بلندی‌ها را به نمایش و قضاوت چرخه چون گذشته، هنوز در حال چرخیدن است و زندگی و بلندی‌ها را به نمایش و قضاوت می‌گذارد. به گفته مانایاد «صدمهرنگی» در کتاب ماهی سیاه کوچولو: «اگر روزی ناچار با مرگ روبه‌رو شوم که می‌شوم، این مهم نیست؛ مهم آن است که زندگی یا مردن من چه تأثیری در زندگی دیگران دارد.» عبارتی باین عظمت و محتوا، آری هنر به اوج می‌رسد و پرواز در گستره دیدن و دانستن و تأثیر و تشخیص از شرايطی که در آن زندگی می‌کنیم و اینکه چه قدر از تباط و همدلی و آگاهی را دریافت کرده و به کار برده‌ایم؛ موضوعی که دیهه و نتیجه می‌شود، اما مقدار آن در ما و موقعیت‌ها، متفاوت و متغیر است که آن هم در حوصله این نوشته نیست. به هر جهت، اگر چه مرگ خواه ناخواه به سراغ ما می‌آید، اما زندگی و آثاری که از ما بر جای می‌ماند،مهم‌تر از آن است که به مرگ خلاصه شود.

هنرمند زنده است و نامیرا

پس اگر هنر بودن و منطق بر واقعیت و درک درست باشد، نه تنها فناپذیر که خود باعث زایش‌های دیگر در هنر و چگونگی‌هاست، طبق گفته مولانا: «پس چه گویم چون ز مردن کم شدم» با این اوصاف، تجربیات و نگاه‌های موسیقایی مانا یاد استاد «محمدرضاشجریان» به عنوان میزان و معیار در کار موسیقی و به ویژه در «آواز» نامیده‌اند؛آنها و ارزش او را کارهای که انجام داده، آموزنده و ماندگار است. همان گونه که خود می‌گوید: کار برای مردم از اهداف و آرزوهای اوست.

به عهد او باید وفادار بود

پس چه کاری بهتر از این؟ اگر امروز از او یاد می‌شود و او را نیکو می‌دارند و اگر صفحات هنر و موسیقی او، ورق می‌خورد و ارزش‌های او به زبان می‌آید و اگر صدای او هنوز دلگشا و دلنواز است و آواگز... به همین دلیل است که این موضوع در کارهای او دیده می‌شود و او با همین وسیله از میان شب گذشت تا به روز و روشنایی رسید و صدایش که جوادیه باشد،امید که دوست‌دارانش او را همان طور که بود، ادامه داده و به ارزش‌های موسیقایی و اجتماعی او، وفادار باشند.

پیش تولید

همکاری مسعود کیمیایی و مهران مدیری؛ سکوی پرش؟

مسعود کیمیایی برای تولید فیلم «خانن کشی» به سراغ مهران مدیری فته و با این بازیگر همکاری خواهد کرد؛ این همکاری می‌تواند سکوی پرشی برای هر دو چهره در سینمای ایران باشد. مسعود کیمیایی کارگردان نام آشنا و مؤلف سینمای ایران است یا «قصیر» معرفی شد و پس از انقلاب نیز در اوج ماند. او در فیلم آخر خود یعنی «قاتل اهل» و «خون شد» بار دیگر نشان داد که همچنان آن شور و اشتیاق و دغدغه شخصی خود را دارد. البته او در دو ساخته آخر خود در چند مقطع با تهیه‌کننده‌ها به مشکل برخورد و فیلم‌های او به همین دلیل کمتر دیده شدند. همچنین یکی دیگر از حواشی که برای این کارگردان پیش آمد، در جشنواره فیلم فجر سال گذشته بود؛ کیمیایی تصمیم گرفت تا «خون شد» را در این جشنواره اکران نکند، اما تهیه‌کننده تصمیم به اکران آنسر گرفت. از طرفی یکی دیگر از چهره‌های شناخته شده سینمای ایران، در نشست خبری حسایی به کیمیایی و تصمیم تحریم جشنواره توسط او تاخت.

«جف بریجز» به سرطان مبتلاست

مهر: «جف بریجز» بازیگر «لبوسکی بزرگ» اعلام کرد که به بیماری سرطان غدد لنفاوی مبتلاست و دوره درمان را سپری می‌کند.او این خبر را در فضای مجازی رسانه‌ای کرد.

بازیگر «شبهات واقعی» در این باره نوشت: «به سرطان غدد لنفاوی مبتلا هستم. هر چند بیماری خطرناکی است اما با وجود تیم پزشکی خوب و درمان مناسب احساس خوش‌شانسی می‌کنم.» این بازیگر ۷۰ ساله تا کنون هفت بار نامزد جایزه اسکار شده و یک بار برای بازی در فیلم «دل دیوانه» برنده این جایزه سینمایی شده است.

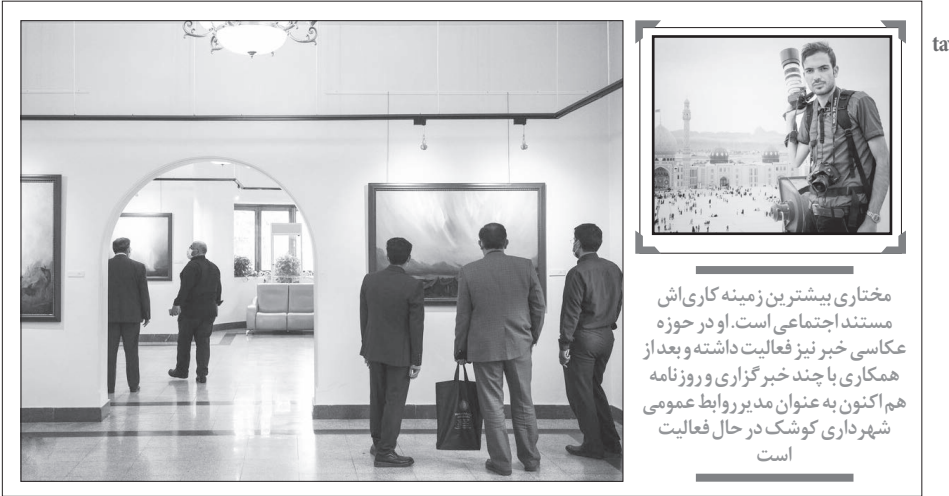
آمریکا اینجا بازی را به چین باخت

فارس: پاكس آفیس سال جاری چین با دومیلیارد دلار، رکورد فروش مواجه شد و آخرین فروش تعطیلات آخر هفته را ۴۶.۴ میلیون دلار به آن دو میلیارد دلار اضافه کرد. این برای چین کافی بود تا تاج گیشه سینمای ۲۰۲۰ جهان را بر سر نهد. در حالی که آخرین تعطیلات آخر هفته سینمای چین در مقایسه با سال قبل ۳۲ درصد کاهش نشان می‌دهد، همین میزان فروش کافی بود تا چین در سال جاری بزرگ‌ترین گیشه در جهان باشد. مجموع فروش گیشه چین در سال ۲۰۲۰ در حدود ۱.۹۹ میلیارد دلار است؛ در حالی که فروش بازار آمریکای شمالی ۱.۹۴ میلیارد دلار است.

NasleFarda.net naslefardanews naslfarda	 ۵ چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۹ سال سیام شماره ۶۳۶۳ ۲۱ اکتبر ۱۴۰۲ ربيع الاول ۱۴۴۲
--	--

گفت‌وگو با «رسول مختاری» به بهانه بر گزاری نمایشگاه عکس

چندشات از دلدادگی و عشق به اهل بیت(ع)



باشد. در این میان اندازه نما، زوایه دید و حتی انتخاب لنز مهم است. یعنی همه چیز باید سر جای خود باشد.

در خصوص این نمایشگاه توضیح دهید خصوصاً فضای انتخاب شده، چرا چنین ایده‌ای به ذهن شما رسید؛ به طور خاص دلدادگی و عشق به اهل بیت(ع)؟

در این نمایشگاه حدود ۲۵عکس در قطع‌های مختلف وجود دارد. در واقع این نمایشگاه یک روایت تصویری از دوماه عزاداری و دلدادگی ما در محرم و صفر بوده که زنجیروار به هم وصل است از عزاداری دهه اول محرم گرفته تا پیاده‌روی اربعین تاخیل عشاق که در آخرهای ماه صفر به سمت مشهدالرضا سوق پیدا می‌کنند. در نگاه نخست، سعی می‌توانشم این بوده که بتوانم به بهترین نحو این عشق و دلدادگی را به تصویر بکشم.

چرا عکاسی مستندا اجتماع۱ی اولویت شماست؛ به خصوص فضای مذهبی؟
در فضای مستند اجتماعی نفس کشیده‌ام به‌خصوص در این فضای مذهبی که همیشه اولویت اصلی مردمان شهرش عشق و دلدادگی به طور خاص است.

«هریسون فورد» در فیلمی کم‌دی بازی می‌کند

باشگاه خبرنگاران جوان: «هریسون فورد» و «اد هلمز» به عنوان بازیگران فیلم سینمایی «ماجراجویی‌های سخت بورت اسکوایر در خارج از هورن‌های» در کنار یکدیگر به بازی خواهند پرداخت. این فیلم در همکاری آل‌دی اینترتینمنت و اس‌تی ایکس فیلمز ساخته می‌شود. فیلم براساس یک داستان واقعی ساخته شده و درمورد مردی است که در بحران میان‌سالگی قرار دارد و روایی یک سفر دریایی را در ذهنش می‌پروراند. او در این سفر با یک کاپیتان خوب، اما نامتعادل مواجه می‌شود که در نهایت کشتی آن‌ها در میانه اقیانوس اطلس غرق می‌شود.

NasleFarda.net naslefardanews naslfarda	 ۵ چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۹ سال سیام شماره ۶۳۶۳ ۲۱ اکتبر ۱۴۰۲ ربيع الاول ۱۴۴۲
--	--

گفت‌وگو با «رسول مختاری» به بهانه بر گزاری نمایشگاه عکس

چندشات از دلدادگی و عشق به اهل بیت(ع)

درستی نداشته باشیم به راحتی با ما بازی می‌شود و به راحتی افکار ما را به هر سستی می‌کشانند. اهمیت این قضیه تا جایی است که یکی از منتقدان هنری دنیا «موهولی ناگی» می‌گوید« بی‌سواد آینده کسی است که عکاسی نداند.

چرا اهمیت جشنواره‌ها و سوگوار‌ها برای عکاسان زیاد است؟ آیا جشنواره‌زدگی در عکاسی وجود دارد یا ممکن است عکاسی با عناوین جشنوار‌ه‌ای دچار توهم حرفه‌ای بودن شود؟

بله یک نوع جشنواره‌زدگی در میان عکاسان ایرانی وجود دارد. موضوع این است که در کشور ما محلی برای ارائه آثار وجود ندارد و فرهنگ فروش عکس وجود ندارد؛ بنابراین جشنواره می‌شود تنها محل ارائه اثر و جوایز آن، منبع درآمد برای عکاس. متأسفانه همین جشنواره‌ها در کشور ما رزومه شده است، حال آنکه در سایر کشورهای دنیا تعداد نمایشگاه رزومه است و نه تنها جشنواره‌های خارجی جایزه‌ای ندارند، بلکه برای حضور عکس خود در آن باید هزینه هم پرداخت.

در عکاسی و جود اسپانسر ضروری است؟

متأسفم که بگویم بله. با توجه به شرایط کنونی اقتصاد هنر وجود حامی بسیار مهم است؛ ولی ماهیت اسپانسر این است که با خودش فرمایش و سفارش دارد؛ زیرا تهیه‌کننده هزینه می‌کند تا توقعاتش برآورده شود. اگر قرار است نمایشگاهی دلی باشد نباید خیلی سمت اسپانسر رفت یا اگر حامی وجود دارد، باید با آن بحث و کلنجار داشت تا نخواهد تمام نگاه خود را بر انتخاب آثار اعمال کند. خوشبختانه من در این نمایشگاه تعامل خوبی با مدیریت خانه میراث اصفهان علیرضا زند‌کریمی به عنوان حامی داشتم و تجربه موفقی بود. نمایشگاه عکس «هم با تا حرم» از ۲۳ تا ۳۰ مهرماه در نگارخانه میراث میدان امام اصفهان برپاست.

به کارهای دیگر است؛ این می‌شود که بودجه فرهنگی و هنری هنرمندان هر شهر به سمت وسویی پیش می‌رود که نباید برودادر یک کلام، مدیریت که باید به سمت فرهنگ برود مدیریت بی‌فرهنگی را پیش می‌برد. درمیان کوچک‌تر مدیریت بودجه فرهنگ به هم است و هسری به بودجه‌های شهری بنزید شاهد خواهید بود بودجه خوبی در هر شهر به فرهنگ و هنر اختصاص پیدا کرده است. همه مسئولان حرف از فرهنگ می‌زنند؛ بودجه فرهنگی داریم ولی مدیریت بودجه خیر.

این روزها فضای مجازی پر است از عکس و البته افرادی که خود را عکاس می‌نامند. این اسبب است یا این چندسالی که عکاسی می‌تواند روزی یک نیاز ضروری شود؟

وجود دارد. درنکته در این خصوص باید این مسئله نشان می‌دهد که عکاسی هم اکنون چه قدر مهم است و حتی تا جایی پیش می‌رود که شاید در آینده جایگزین کتاب و مجله شود و یا آن بتوان روایتی را تعریف کرد. نکته دیگر این است‌ما در عصری زندگی می‌کنیم که هر روز بمباران تصویر می‌شویم اگر خواتش و سواد بصری

درباره رمان «آواز کافه غم‌بار» که خواندن دارد

گوژپشت‌ها

گوژپشت هرگز آن طور که خواننده حدس می‌زند عمل نمی‌کند. او به میس آملیا خیانت کرده و تحت تأثیر مردی قرار می‌گیرد که دشمن مستقیم اوست. البته داستان در تاریکی روایت می‌شود و تا انتها خواننده به پاسخی برای چرایی‌ها نمی‌رسد. خواننده تا انتها نمی‌داند چرا ازدواج میس آملیا ده روز بیش‌تر طول نکشید؟ چرا او مانند یک انسان عاشق رفتار می‌کند؛ اما نفرتش را بیش‌تر بروز می‌دهد و ... در واقع جذابیت این رمان کوتاه در ناشناختگی آن خلاصه می‌شود. تعریف زیبایی که راوی به صورت یک مانیفست از عشق دارد، کاربرد داستانی‌اش را هم‌چنان مجهول باقی می‌گذارد. «آواز کافه غم‌بار» داستانی است که یک اتفاق دو بار در آن تکرار می‌شود. همان‌طور که در ابتدای قصه راوی به صورت خلاصه گذشته میس آملیا را روایت می‌کند؛ اما روی دادن دوباره آن، چه چیزی به داستان اضافه خواهد کرد؟ پاسخ آن نزد خواننده باقی خواهد ماند. خواندن «آواز کافه غم‌بار» می‌تواند به شناخت شخصیت در رمان‌های بزرگ کمک کند؛ به همین دلیل مطالعه آن پیشنهاد می‌شو.

به بیماران خود انتقال می‌دهد و هر گز به آنان توصیه نمی‌کند که از سیگار یا مشروب استفاده نکنند. این ترحم به صورت یک عمل قهرمانانه در ژانر تراژیک فرد را به تدریج روبه زوال می‌برد و با توجه به تعریف‌هایی که راوی از سر و شکل مردانه او دارد، متناقض‌نماست. البته که در ادبیات داستانی عمل به صورت تنوریک به فیزیک ذهنی تبدیل نمی‌شود؛ بنابراین این توان تراژدی را به معنای کامل ایجاد کرد اما کار سسون مکالرز در این رمان کوتاه با هوشمندی شکلی از ادبیات را ارائه داده است که به شدت می‌تواند به یک نمایش صحنه‌ای تبدیل‌شود در صورتی که هر گز فرم یک نمایش‌نامه را ندارد. سوختن میس آملیا در ترحم خود حس خاصی در خواننده ایجاد نمی‌کند و این بی‌تفاوتی می‌تواند شروع یک واقعه احساسی در خواننده امروزی باشد.

چراها

همه مردم آن جغرافیا که اکثرشان را راوی به اسم نام می‌برد، کاراکترهایی غریب هستند؛ اما غریب‌ترین‌شان گوژپشت است.



فرامرز امینی، از فعالان عرصه رسانه و هنر چند روز پس از ابتلا به بیماری کرونا درگذشت.



لاله اسکندری با اعلام اینکه به بیماری کرونا مبتلا شده است، به اکران آنسر گرفت. از طرفی یکی خود که کنار او در یک سریال در حال فیلم‌برداری حاضر بوده‌اند ابراز نگرانی کرد.

گزارش خبری

دردسرهای تلویزیون تمامی ندارد!

واکنش‌ها به سریال «ایلدا»
نسل فردا/ گروه فرهنگ و هنر
Naslefarda@gmail.com

«ایلدا» سریالی است که این روزها از شبکه یک سیما پخش می‌شود و قصد دارد جنگ و آوارگی مردم مرزنشین را به تصویر بکشد؛ اما گویا یاد به مذاق مردم و مسئولان استان ایلام خوش نیامده و واکنش‌های زیادی را در پی داشته است.

واکنش نماینده ایلام به سریال

علی‌اکبر بسطامی، نماینده مردم ایلام در مجلس شورای اسلامی گفت: با بررسی تحلیل‌های دریافتی از اهالی فرهنگ و هنر استان، پیام این سریال نمی‌تواند در راستای وحدت و معرفی دوران پرافتخار دفاع مقدس، فرهنگ و تاریخ مردم استان ایلام باشد. ادامه پخش این سریال به هیچ‌وجه به صلاح نیست و توقف پخش فوری آن را خواستارم. در شرایطی که جامعه نیازمند تولید محتوای وحدت‌بخش و پرهیز از رفتارهای تنش‌ی است، اقدام شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی مورد پذیرش نیست.

از مغالطه‌گویی تا تحریف تاریخ دفاع مقدس

خداداد ابراهیمی، از نویسندگان ورونامه‌نگاران استان ایلام نیز در انتقاد از سریال ایلدا نوشته است: سریال تلویزیونی ایلدا، خام و بی‌مایه از یک سو با یک زبان نامانوس به مغالطه‌گویی دست زده و اعتراض ایلامی‌ها و غرب کشور را برانگیخته و از سوی دیگر، به تحریف ادبیات یادپاری ایلامیان دست زده است. در واقع، راما قویدل کارگردان این فیلم در غفلت‌نهادهای نظرارتی، با هزینه‌میلیاردی از بیت‌المال با ساخت یک فیلم غیر حرفه‌ای، تاریخ دفاع مقدس را مخدوش کرده است. آنجا که کارگردان و عوامل سازنده سریال ایلدا مرز حماسی ایلام را برای ضبط صحنه‌های فیلم‌برداری نامناسب تعبیر می‌کند، تفاوت فاحش گویش مردم ایلام را با گویش لری درک نمی‌کند، پوشش زنان و مردان ایلامی جعل می‌شود، توهمین به دفاع مقدس، مردم حماسه‌ساز ایلام و ساخت هنر با تساهل و تسامح کلید می‌خورد. مردم ایلام با برخی دیالوگ‌های سست و بی‌مایه فیلم بیگانه‌اند و تهور و نستوهی رزمندگان ایلامی در جبهه‌های غرب به نحو واقعی تعبیه نشده است و این همان تحریف و خدشه‌دار کردن فرهنگ و ادبیات یادپاری ماست و همین ناشیانه‌های شما بوده که مخاطبان این سریال را به شدت کاهش داده است.

نقدی بر ایلدا از منظر فرهنگی

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی ایلام نیز گفت: کدام مؤلفه یا مزیت فرهنگی و اجتماعی مناطق مرزنشین ایلام به‌ویژه مهران و دهلران در این سریال برسته شده یا خواهد شد؟ زبان، گویش، لباس، موسیقی و آیین‌ها و سنت‌های مناطق مرزنشین ایلام، مهران و دهلران در کجای این سریال دیده شده است؟ ناآشنایی کارگردان و تهیه‌کننده این اثر با بافت فرهنگی، قومی و اجتماعی اِیـسـن مناطق یک ملغمه گویشی، زبانی و موسیقایی را رقم زده که درک و تحلیل آن نیاز به هیچ سواد و تخصص هنری ندارد. عمران خودآموز افروزد: از نقد و نظرهای مطرح شده درباره ایلدا در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی چنین برمی‌آید که این سریال بیش از آنکه مورد نقد مردم مرزنشین استان ایلام باشد، نقد و گلابیه شهروندان استان لرستان نیز مواجه شده است؛ چراکه لرستان راهی به مرز ایران و عراق ندارد و روایت این قصه چنان برای آنان غریب و دور از ذهن است که علی‌رغم استفاده از موسیقی و لهجه لری در این سریال، آنان را اقناع نمی‌کند. امام جمعه ایلام در دیدار با شماری از اهالی رسانه و هنر از منتقدان سریال ایلدا خواست نقد خود را به‌صورت منطقی پیگیری کنند و با ایجاد کمپین‌های نه به این سریال مانع تحقق مطالبات بحق درخصوص سریال ایلدا نشوند. یقیناً این نوع رفتارها برای مردم ایلام هیچ بهره‌ای ندارد. حجت‌الاسلام والمسلمین الفوزکریمی‌تبار گفت: براساس اعلام دست‌اندرکاران، بخش مهمی از فیلم‌نامه سریال ایلدا از تخیل نویسنده استفاده شده و این موضوع جای تأسف دارد که چرا در ساخت سریال به موضوعات حقیقی و واقعی پرداخته نشده است.

رشادات‌های مردم غرب کشور مربوط به همه اقوام است

علیرضا سبط‌احمدی، تهیه‌کننده سریال ایلدا که همزمان با ایام دفاع مقدس روی آنتن شبکه یک رفت، درباره استفاده نشدن از لهجه در سریال لزوم تولید این مجموعه با نمایش دلاوری‌های ایلات گفت: از ابتدا قصد داشتیم اثری درمورد دلاوری‌ها و غیورمردی‌های ایلات و عشایر در حراست از وطن بسازیم.

به همین دلیل برای ما مهم بود همه مردم ایران از آن بهره ببرند و ترجیح دادیم از لهجه استفاده نکنیم. وی افزود: نکته مدنظر ما این بود که در موقعیت دفاع مقدس همدل بودیم و هیچ قومی در دفاع از مرزها مطرح نبود.

از این رو تلاش کردیم اثری فراگیر با نمایش دلاوری‌های مردم ایلات که تاکنون به سراغ آن نرفته بودند برویم و آن را به نمایش بگذاریم. براساس متن آماده شده، دلاورمردی‌های قوم لر را مورد توجه قرار دادیم. اگر باعث رنجش خاطر مردم غیور ایلام شدم، قطعاً ناخواسته بوده و به سببم خودم از مردم ایلام بوزش می‌طلبم.